



An Examination of Ontological Foundations: The Emanation Theory and Concept of Creation (Ibda') in the Sermons of the Infallibles (PBUH)

Yusuf Farshadnia¹, Mohammad Ali Tajari², Mostafa Malekshahi Sefat

Abstract: The way of creation of beings, their relationship with the Supreme Being and in other words the interpretation of creation has always been one of the fundamental issues and challenges of human thought. In philosophy, the theory of creation is designed to explain how God created beings. Also, in the Shia narrative treasure, while there are different narrative styles, such as; Prayers, sermons, debates, propositions are observed in the interpretation of creation and the presentation of creation teachings. Since each theory has certain features, the current research has investigated and criticized the creation features of the theory of "Sadour" and the sermons of the innocents (PBUH) based on the content analysis method. "Innovation" and "composition" in the sermons of the innocents (PBUH), "Issuing" and "Faiz" have a high conceptual frequency in the theory of issuance. The findings show that; in "issuance"; Creatures are created based on "Men Shae" but in creation based on "La Men Shae". In the "invention" emphasized by the sermons of the infallibles (pbuh), God's will and power; It will be absolute, as opposed to issuing, which is done without will. In "invention", creatures without history, example and leaven are created. Therefore, there is a difference between the creator and the creature, but; In issuing, it is necessary to match between issuing and Masdar (origin). In "Issuing", the presence of "intermediary" is necessary in creating multiples. What if God, as a simple being, cannot create non-simple beings without mediation, but in creation and on the basis of "Sna'a al-Sha'a La Man Sha'e", beings are created by God's absolute will and power and without the need for a mediator.

Keywords: Sermons of the innocents (pbuh), creation of existence, issuing (grace), invention and composition, creation of things, creation of things.

Submitted: 2024/6/10

Accepted: 2024/8/6

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (**Corresponding author**), farshadnia.yusuf@gmail.com
2. associate professor and faculty member of the Quranic Sciences and Hadith department at the University of Qom, Qom, Iran. ma.tajary@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran, m.malekshahi@cfu.ac.ir

بررسی لوازم هستی آفرینی نظریه صدور و دیدگاه ابداع مستخرج از خطبه‌های

معصومین (ع)

یوسف فرشادنیا^۱، محمد علی تجری^۲، مصطفی ملکشاهی صفت^۳

چکیده: همواره چگونگی پیدایش موجودات، نسبت آن‌ها با خالق متعال و به تعبیر دیگر، تفسیر خلقت از مسائل بنیادین و چالش‌های اندیشه بشری بوده است. در فلسفه، نظریه «صدور» با هدف تبیین چگونگی ایجاد موجودات توسط خداوند طرح‌ریزی شده است. همچنین در گنجینه روایی شیعه، ضمن وجود سبک‌های مختلف نقلی نظیر ادعیه، خطبه و مناظره، گزاره‌هایی در تفسیر خلقت و ارائه معارف هستی آفرینی مشاهده می‌شود. از آنجایی که هر نظریه لوازم خاصی را به‌همراه دارد، پژوهش حاضر بر پایه روش تحلیل محتوا به بررسی و نقد لوازم هستی آفرینی نظریه «صدور» و خطبه‌های معصومان(ع) پرداخته است. واژگان «ابداع» و «انشاء» در خطبه‌های معصومان(ع) و «صدور» و «فیض» در نظریه صدور، بسامد مفهومی بالایی دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد در نظریه «صدور»، موجودات بر پایه «مِنْ شَیْءٍ» (از چیزی) ایجاد می‌شوند، اما در «ابداع» بر پایه «لَا مِنْ شَیْءٍ» (از هیچ چیز) خلق می‌گردند. در «ابداع» که مورد تأکید خطبه‌های معصومان(ع) است، اراده و قدرت خداوند مطلق است، برخلاف نظریه صدور که فیضان موجودات به‌صورت قطعی و عاری از اراده صورت می‌پذیرد. در «ابداع»، موجودات بدون سابقه، مثال و خمیرمایه ایجاد می‌شوند؛ بنابراین، بین خالق و مخلوق تباین وجود دارد. درحالی‌که در نظریه صدور، سنخیت بین صادر (موجودات) و مصدر (مبدأ) ضروری است. در «صدور»، وجود «واسطه» در ایجاد کثرات لازم است؛ زیرا خداوند به‌عنوان موجود بسیط نمی‌تواند موجودات غیربسیط را بدون واسطه ایجاد کند. اما در «ابداع» و بر اساس «صُنْعُ الشَّيْءِ لَا مِنْ شَیْءٍ»، موجودات با اراده و قدرت مطلق الهی و بدون نیاز به میانجی خلق می‌شوند.

واژگان کلیدی: خطبه‌های معصومان(ع)، هستی آفرینی، صدور (فیض)، ابداع و انشاء، صُنْعُ مِنْ شَیْءٍ، صُنْعُ لَا مِنْ شَیْءٍ.

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۹

*تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)

farshadnia.yusuf@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران، ma.tajary@yahoo.com

۳. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. m.malekshahi@cfu.ac.ir

مقدمه

سنت قولی ائمه شیعه (ع) دارای ظرفیت‌های عظیمی برای استخراج معارف توحیدی است. از سوی دیگر، با بررسی این گنجینه روایی، تفاوت‌هایی در بیان و شیوه ارائه معارف مشاهده می‌شود. «ادعیه مأثوره» گونه‌ای از سنت قولی معصومان (ع) است که در آن، ارتباط با خداوند با اهداف گوناگونی نظیر طلب، درخواست، تحمید و استغفار شکل می‌گیرد. با تأمل در این سبک، علوم مختلفی مانند هستی‌آفرینی (خلقت و چگونگی آن) و ارزش‌شناسی (اخلاق) قابل استخراج است.

«مناظرات» ائمه اهل‌بیت (ع) نیز قالب دیگری است که در مناسبت‌ها و شرایط گوناگون انجام شده و از غنای علمی در زمینه‌های مختلف برخوردار است. «خطبه‌ها» از دیگر سبک‌های گنجینه روایی است که ظرفیت استخراج معارف متنوعی مانند آموزه‌های توحیدی را دارد. نمونه بارز آن، خطبه فدکیه حضرت زهرا (س) است که در بخشی از آن می‌خوانیم:

«ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْثِلَةٌ أَمْثِلَهَا»

(ابن‌طیفور، بی‌تا: ۱۵؛ مجلسی،

۱۴۰۳ق: ج ۲۹، ص ۲۲۱).

ابتدای این خطبه با نام و حمد الهی و بیان معارف ناب هستی‌شناسی و خداشناسی آغاز می‌شود. واژگان «ابْتَدَعَ» و «أَنْشَأَهَا» از جمله کلمات پرتکرار و پراهمیت در خطبه فدکیه هستند. این واژگان از تعبیر فنی تفسیر خلقت (هستی‌آفرینی) محسوب می‌شوند که قرآن نیز به آن‌ها اشاره کرده است:

«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره/۱۱۷).

تحلیل مفهومی واژگانی مانند «بدیع» که به هستی‌آفرینی خداوند و آفرینش بی‌سابقه و بی‌مانند اشاره دارد (ر.ک: ابن‌فارس، ۱۳۹۹ق: ج ۱، ص ۲۰۹)، در تولید علوم انسانی-اسلامی در حوزه هستی‌آفرینی توحیدی حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد واژگان متون فلسفی از نظر معنا، دلالت و لوازم، در تقابل با تعبیر هستی‌آفرینی روایی قرار دارند. بررسی و مقایسه تعبیر هستی‌آفرینی روایی مانند «مُبدئ» و «مُعید» با تعبیر فلسفی متناظر همچون «مَبْدَأ» و «مَعَاد» می‌تواند در استخراج معارف و آموزه‌های ناب توحیدی نقش اساسی ایفا کند.

از رهگذر تطبیق و مقایسه این دو رویکرد و تعیین لوازم آن‌هاست که گذرگاه رسیدن به هدف والای تولید علوم اسلامی هموار می‌شود. بر این اساس، پژوهش

حاضر با هدف پاسخ به پرسش زیر سامان یافته است:

نسبت میان لوازم هستی‌آفرینی نظریه «صدر» (فیض) و خطبه‌های معصومان (ع) چیست؟

در خصوص نظریه صدر (فیض)، آثار فراوانی نگاشته شده که عمدتاً جنبه تبیینی داشته و در راستای تحلیل پیدایش کثرت از وحدت (نظام فیض) شکل گرفته‌اند (ر.ک: خادمی، ۱۳۸۴: ۷۵؛ آزادگان و عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۱). برخی پژوهش‌ها نیز به نقد این نظریه پرداخته‌اند. برای مثال، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و نقد نظریه فیض فارابی از منظر آیات و روایات»، به ناسازگاری نظریه فیض فارابی با آموزه‌های خلقت و در نهایت ناهمخوانی آن با آیات و روایات نتیجه‌گیری شده است (ر.ک: شاهچراغ، ۱۳۹۲). در پژوهشی دیگر، به پیامدهای رویکرد فیض‌محور فلسفه اسلامی و کاربرد آن در تعلیم و تربیت هشدار داده شده است (باقری و باقری، ۱۳۹۰: ۶).

مقاله‌ای از نگارنده نیز بر مبنای گنجینه روایی امامیه و با هدف استخراج معارف هستی‌شناسی و خداشناسی از ادعیه معصومان (ع) و مقایسه آن با آموزه‌های تفسیر خلقت فلسفی نگاشته شده که در آن، جنبه تحلیلی و معناشناختی

دو رویکرد در حوزه هستی‌شناسی و خداشناسی مقایسه شده است (عسگری و فرشادینیا، ۱۴۰۱: ۱۳۳). در پژوهش حاضر، خطبه‌های معصومان (ع) مبنای تحلیل و استخراج مبانی هستی‌آفرینی و مقایسه با نظریه صدر (فیض) قرار گرفته است که سابقه پژوهشی ندارد. از سوی دیگر، این سبک از سنت قولی معصومان (ع) (یعنی خطبه) همچون ادعیه اهل بیت (ع)، از متون و اسناد صحیح‌تری نسبت به سایر قالب‌های روایی برخوردار است (فتاحی‌زاده و افسردیر، ۱۳۹۵: ۱۷۶). بنابراین، وجوه نوآوری این پژوهش را می‌توان در نوع سبک روایی (خطبه) و نیز تحلیل لوازم دو رویکرد دانست.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی است که بر پایه روش تحلیل محتوا، به مقایسه لوازم گزاره‌های هستی‌آفرینی الهی مستخرج از خطبه‌های معصومان (ع) و نظریه صدر پرداخته است. لورنس باردن تحلیل محتوا را اینگونه تعریف می‌کند:

«رسیدن به مبانی و به‌نوعی تفسیر حاصل از مطالعه عینی، کمی و نظام‌مند فرآورده‌های ارتباطی (محتوای پدیدار پیام)»

(باردن، ۱۳۷۵: ۲۵).

در این پژوهش، متن ده‌ها خطبه از

کتب معتبر شیعی (فارغ از بررسی‌های صدور شناسایی و استحصال شد. در سندی و اسنادی) استخراج و از متون فلسفی نیز عبارت‌های کلیدی نظریه

صدور شناسایی و استحصال شد. در ادامه، نمایی از جدول تحلیل محتوا و استخراج داده‌ها ارائه می‌شود.

جدول شماره (۱) - استخراج گزاره‌ها و کلیدواژه‌های هستی آفرینی خدا از خطبه‌های معصومین (ع)				
عبارت منتخب از خطبه	عنوان خطبه	منبع خطبه	نمایه عبارت خطبه	کلید واژه‌ها
اَبَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَشْأَهَا بَلَا احْتِدَاءٍ أَمْثَلُهُ أَمْثَلُهَا، ...	فدکیه	ابن طیفور، بی‌تا: ۱۵ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۱/۲۹	آفرینش بدون مایه و مثال	ابداع انشاء
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَقَرُّدِهِ وَ...، وَ مَبْدَأُ وَ مَعِيدٌ وَ كُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ.	غدیریه	ابن طاووس، ۱۴۱۳ق: ۵۷۸	خدای آغاز دهنده (به خلق) و باز گرداننده خلق	مبدع معید
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ لَا تَنْقُضِي عِجَابُهُ لِأَنَّهُ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ مِنْ إِحْدَاثِ بَدِيعٍ لَمْ يَكُنِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ فَيَكُونُ فِي الْعِزِّ مُشَارِكًا وَ لَمْ يُولَدْ فَيَكُونِ مَوْرُوثًا هَالِكًا... لِلَّهِ الْفَضْلُ مَبْدَأً وَ مَعِيداً	توحیدیه امام علی (ع)	کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۴۱/۱	خداوند مبدع (ابداع گر) / منزه از ولادت (منزه از زادن و زاده شدن) / خدای آغاز دهنده (به خلق) و باز گرداننده خلق	مبدئ معید

جدول شماره (۲) - استخراج گزاره‌ها و کلیدواژه‌های هستی آفرینی خدا از متون فلسفی (نظریه صدور)				
عبارت منتخب از متن فلسفه	عنوان	منبع متن	نمایه عبارت	کلید واژه‌ها
وَذَلِكَ أَنَّ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا إِنَّمَا انْبَجَسَتْ مِنْهُ	صدور کثرت از واحد محض	افلوپین، ۱۳۷۸: ۲۷۹	توجیه وجود اشیاء (کثرت) از ذات خداوند (عاری از ثنویت و کثرت)	انبجست
الْمَبْدَعُ الْأَوَّلُ الَّذِي صَدَرَتْ عَنْ ذَاتِهِ جَمِيعُ هَذِهِ الْمَوْجُودَاتِ؛ صدور فیض یارادته و قدرته، و هذه الإرادة هی بعینها عنایتُهُ و رضاهُ	صدور کثرت از واحد محض	فارابی، بی‌تا: ۶۲	تبیین صدور موجودات از ذات خداوند (صدور فیض) با اراده و قدرت / اینهمانی	المبدع صدور / فیض

	اراده و رضای خداوند در صدور			
فیض صدور	فیض و صدور موجودات بنحو لزوم از ذات خداوند	ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۰۰	استعمال فیض تنها در خصوص خداوند	الفیض إنما يستعمل في الباري و العقول لا غير، لأنه لما كان صدور الموجودات عنه على سبيل اللزوم لا لإرادة تابعه لعرض بل لذاته

۲. مفهوم‌شناسی

در این بخش به بررسی مفهوم «هستی آفرینی»، سپس به واژگان «ابداع» و «انشاء» و همچنین «صدور» و «فیض» به عنوان مفاهیم پربسامد مستخرج از خطبه‌های ائمه اهل بیت (ع) و نظریه صدور خواهیم پرداخت.

۲-۱. هستی آفرینی

مفهوم هستی آفرینی در این پژوهش به آن دسته از گزاره‌های دینی اشاره دارد که درباره آفرینش مخلوقات، تفسیر خلقت، چگونگی آفرینش پدیده‌ها توسط خداوند و نسبت موجودات با خالق متعال، مبانی و معارف بنیادینی ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنای دانش کلام قرار گیرد. برای نمونه، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در خطبه فدکیه آمده است:

«ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْثَلَةٍ امْتَثَلَهَا»
(ابن طیفور، بی تا: ۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۹، ص ۲۲۱).

در این بخش از خطبه، دو واژه کلیدی «ابْتَدَعَ» و «أَنْشَأَهَا» حاوی معارف ژرفی

در مسئله چگونگی آفرینش و تفسیر خلقت است. در مقایسه این تعابیر با «صدور» و «فیض» مطرح در فلسفه، اختلاف و تضاد مفهومی مشاهده می‌شود. در فلسفه، خداوند به عنوان «مبدأ» پدیده‌ها معرفی شده است؛ زیرا در تفسیر خلقت، فیلسوفان اسلامی و غیراسلامی قائل به نظریه «صدور» هستند:

«إِنَّ الْمَبْدَأَ الَّذِي يَصْدُرُّ عَنْهُ وُجُودُ الْمَعْلُولِ هُوَ وُجُودُ الْعِلَّةِ الَّذِي هُوَ نَفْسُ ذَاتِ الْعِلَّةِ؛ فَالْعِلَّةُ هِيَ نَفْسُ الْوُجُودِ الَّذِي يَصْدُرُّ عَنْهُ وُجُودُ الْمَعْلُولِ» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۷۸).

بر این اساس، هستی معلول از «ذات» خداوند صادر شده است. بنابراین، نوع ادبیات و گزاره‌های هستی آفرینی هر مکتب، لوازم و نتایج خاصی به همراه دارد که ممکن است متفاوت و گاه در تقابل با آموزه‌های توحیدی دین اسلام باشد.

۲-۲. نظریه صدور

منظور از نظریه «صدور» یا «فیض»، نظریه معروف در فلسفه اسلامی و غیراسلامی

درباره آفرینش و ارتباط وحدت با کثرت است که نخستین بار توسط نوافلاطونیان و به‌ویژه «فلوطین» تدوین شد (رحیمیان، ۱۳۸۱: ۶۸). فلوطین از تعبیری ملنند «انبجست» به معنای فیض و فوران (ر.ک: جهامی، بی‌تا: ۲۸۷؛ ابن‌دُرَید، ۱۹۸۷: ج ۱، ص ۲۶۷) برای تبیین این نظریه استفاده کرده و می‌نویسد:

«وَذَلِكَ أَنَّ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا إِنَّمَا انْبَجَسَتْ مِنْهُ» (افلوطین، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

فیلسوفان اسلامی نیز با پیروی از افلوطین، نظریه فیض را (با لندکی تغییرات و توجیهات) پذیرفته‌اند. چنانکه فارابی می‌نویسد:

«الْمُبْدِئُ الْأَوَّلُ الَّذِي صَدَرَتْ عَنْ ذَاتِهِ جَمِيعُ هَذِهِ الْمَوْجُودَاتِ؛ صُدُورَ فَيْضٍ بِإِرَادَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، وَ هَذِهِ الْإِرَادَةُ هِيَ بَعْثُهَا عَنَائَتُهُ وَرِضَاةٌ» (فارابی، بی‌تا: ۶۲).

ابن‌سینا نیز «فیض» را تنها مختص خداوند و عقول می‌داند و می‌گوید:

«الْفَيْضُ إِنَّمَا يُسْتَعْمَلُ فِي الْبَارِي وَ الْعُقُولِ لَا غَيْرُ...» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۱۰۰).

بنابراین، «صدور» به معنای برآمدن چیزی از چیز دیگر یا به تعبیری دیگر، تولید چیزی از چیز دیگر است. در نگاه نوافلاطونی، «صدور» یعنی فوران هستی از واحد یا از خیر. مطابق دیدگاه آنان،

واحد ابتدا عقل، سپس نفس، گیتی و موجودات فردی را به ترتیب ایجاد می‌کند. به‌گونه‌ای که در کتاب «النجاة» ابن‌سینا، بخشی با موضوع «صدور اشیاء از مدبّر اول» وجود دارد. همچنین در این اثر، ابن‌سینا تصریح کرده است که خداوند ذاتاً مانع نمی‌شود و اکراهی ندارد از اینکه همه چیز از او صادر شود (ر.ک: صلیبا، ۱۴۰۷: ۴۲۰).

۳-۲. ابداع و انشاء الهی

الف. ابداع

ریشه این واژه از «بداع» به مفهوم «آغاز کردن» و پدید آوردن چیزی بدون نمونه پیشین است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۰۹). ایجاد چیزی بدون سابقه وجودی و شناخته‌شده و همچنین به‌گونه‌ای نو و بی‌سابقه، معنای دیگر ابداع است (فراهدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۴۱؛ ازهری، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۴۰). جوهری و فیومی نیز مفهوم ایجاد بدون نمونه قبلی را ذکر کرده‌اند (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۱۸۳؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۳۸). وجه مشترک تعاریف «ابداع»، ایجاد چیزی «بدون نمونه و سابقه» است.

ب. انشاء

«انشاء» از ریشه «نَشَأَ» (نون، شین و همزه) در اصل به معنای ارتقاع، برآمدن و بلند شدن است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ج ۱،

ص ۲۰۹). برخی اهل لغت، «إنشاء» را به معنای خلق (جوهری، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۷۷؛ زمخشری، بی تا: ۴۵۵)، آغاز کردن (فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۱۷۸۹؛ ابن درید، ۱۹۸۷: ج ۳، ص ۴۲۸؛ ازهری، بی تا: ج ۱۱، ص ۴۲۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۴۲۹؛ فیومی، ۱۴۰۵ق: ۶۰۶) و ایجاد کردن (راغب اصفهانی، ۴۱۲ق: ۸۰۷) دانسته اند. برخی نیز آن را با ذکر مثال هایی مانند «أَنْشَأَ اللَّهُ السَّحَابَ» (خداوند ابر را بالا برد) معنا کرده اند (فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۱۷۸۹).

۴-۲. صدور و فیض الهی

«صدور» به معنای وقوع و ثبات یافتن و به تعبیری دیگر «صَنَعَ الشَّيْءَ مِنْ شَيْءٍ آخَرَ» است (صلیب، ۱۴۰۷ق: ۴۲۰). ریشه «صدور» از «صَدَرَ» به معنای خارج شدن و نقطه مقابل وارد شدن است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ج ۳، ص ۳۳۷). بنابراین، «صدور» به معنای «فیض» و نقطه مقابل رجوع (بازگشت) است (ر.ک: صلیبا، ۱۴۰۷ق: ۴۲۰).

چنانکه در خصوص فیض می خوانیم:

«وَاجِبُ الْحُكْمَةِ أَفَاضَ الْجُودَ وَ
الْفَضَائِلَ مِنْهُ كَمَا يَفِيضُ مِنْ عَيْنِ الشَّمْسِ
النُّورُ وَ الضِّيَاءُ، وَ دَامَ ذَلِكَ الْفَيْضُ مِنْهُ
مُتَّصِلًا مُتَوَاتِرًا غَيْرَ مُنْقَطِعٍ، فَيَسْمَى أَوَّلُ ذَلِكَ

الْفَيْضُ الْعَقْلُ الْفَعَّالُ» (جهامی، بی تا: ۶۱۴).

یعنی واجب الوجود، بخشش و تمام فضیلت ها را از خود جاری می سازد، همان گونه که نور از ذات خورشید فوران می کند، و این فیض از او به صورت پیوسته، دائم و بدون انقطاع جریان دارد. به همین دلیل، اولین مرحله این فوران «عقل فعال» نامیده می شود. در این عبارت، «فیضان» از ناحیه خداوند به فوران نور و پرتوهای خورشید تشبیه شده است.

همچنین واژه «صدور» قرابت معنایی با واژه «ولادت» دارد. وجه اشتراک «صدور» و «ولادت» در «خروج چیزی از چیز دیگر» است (ر.ک: شکر و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵۸). فلوطین که «واحد» را «اصل نهایی» همه چیز و مکتب خود را «وحدت مطلق» می داند، برای توجیه کثرت موجود در عالم و رفع پارادوکس آن، از واژگانی مانند «فیض» (هرین) و «صدور» (آپورین) استفاده کرده است (بریه، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۲۴۹).

بنابراین، «فیض» نوعی ایجاد است که در آن، منشأ ایجاد و موجد شیء، ثابت باقی می ماند و علیرغم صدور معلول از آن، با همه کمالات خود در وحدت خویش پایدار است (رحیمیان، ۱۳۸۱: ۴۰). بر اساس مطالب فوق، آنچه از مفهوم

«صدور» و «فیض» استنباط می‌شود، همان «خروج چیزی از چیز دیگر» با هدف توجیه وحدت در عین کثرت است.

۳. لوازم «ابداع و انشاء» و «صدور و

فیض» الهی

در این بخش، لوازم دو رویکرد «ابداع و انشاء» (مستخرج از خطبه‌های معصومان(ع)) و «صدور و فیض» (مستخرج از نظریه صدور) تحلیل می‌شود. لازم به ذکر است که دو باور «خداوند به عنوان مُبدع» و «خداوند به عنوان مُفیض»، لوازم متعدد و قابل توجهی دارند که بررسی همه آنها از حوصله این پژوهش خارج است؛ اما در ادامه به لوازم عمده این دو رویکرد پرداخته می‌شود.

۱-۳. ایجاد بر پایه «مِن شَیْء» در صدور و «لَا مِن شَیْء» در ابداع

در نظریه «صدور»، موجودات «از» ذات الهی صادر می‌شوند. این نحوه ایجاد بر پایه خلق «مِن شَیْء» است، برخلاف آموزه‌های روایی که ایجاد را بر پایه خلق «لَا مِن شَیْء» یا همان «كُنْ فَيَكُونُ» می‌دانند. اما تفاوت خلق «مِن شَیْء» و «لَا مِن شَیْء» چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، لازم است دو نوع فاعلیت خداوند تبیین شود:

۱. فاعلیت خلقی (مِن شَیْء):

در این نوع فاعلیت، آفرینش «چیزی از چیز دیگر» مطرح است، مانند آفرینش

انسان از آب که در قرآن آمده است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان/۵۴).

چنین آفرینشی همان «خلق» یا «صُنْعٌ مِنْ شَیْءٍ» است. در تعریف خلق گفته شده است:

«خلق یعنی پدید آوردن چیزی از چیزی دیگر بر اساس قانون علت و معلول و مطابق با قوانین طبیعت، در زمان و مکان» (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۲).

۲. فاعلیت امری (لَا مِن شَیْء):

در این نوع فاعلیت، نیازی به «ماده اولیه» برای آفرینش وجود ندارد؛ زیرا خداوند بر اساس اراده خود، دست به ایجاد، انشاء و ابداع می‌زند. مفهوم فعل ابداعی، «مُسَبَّوق» بودن به ماده و زمان است (جرجانی، بی‌تا: ۳). قرآن به هر دو نوع فاعلیت اشاره کرده است:

«...أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ...» (اعراف/۵۴).

همچنین در سوره یس آمده است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس/۸۲).

این مسئله در آیات دیگری نیز مطرح شده است (ر.ک: مریم/۳۵؛ غافر/۶۸).

بنابراین، در خلق یا «صُنْعٌ مِنْ شَیْءٍ» تا زمانی که «چیز اول» یا «ماده اولیه»

وجود نداشته باشد، موجودی ایجاد نمی‌شود؛ برخلاف «امر» یا «صُنْعٌ لَا مِنْ شَيْءٍ» که در آن چنین ضرورتی وجود ندارد.

حال در نظریه «صدور»، موجودات بر پایه «خلق» یا «صُنْعٌ مِنْ شَيْءٍ» ایجاد می‌شوند. چنانکه در آموزه‌های فلسفی می‌خوانیم:

«الْمُبْدِعُ الْأَوَّلُ الَّذِي صَدَرَتْ عَنْ ذَاتِهِ جَمِيعُ هَذِهِ الْمَوْجُودَاتِ» (فارابی، بی‌تا: ۶۲).

یعنی صدور همه موجودات «از» ذات خداوند انجام می‌شود. پیش‌تر بیان شد که مراد از «صدور» در فلسفه همان «خروج چیزی از چیز دیگر» است (ر.ک: صلیبا، ۱۴۰۷ق: ۴۲۰). از این جهت فیلسوفانی چون؛ فارابی قیدی اضافه نموده‌اند مبنی بر اینکه با «فیض» یا «صدور» چیزی از مبدأ (که همان خداوند است) کم یا کمالی به او اضافه نخواهد شد: «و هذا الفيض قديم، و هو لا ينقص شيئاً من الأول و لا يزيد إليه كمالاً» (به نقل از جلال الدین سعید، ۱۹۹۴م: ۳۵۱). آنچه مسجل می‌شود آن‌که؛ «صدور» ضرورتاً «صُنْعٌ مِنْ شَيْءٍ» و به معنی؛ «ایجاد چیزی از چیز دیگری» است. از این جهت

مثالی که برای تبیین صدور استفاده می‌شود؛ برآمدن نور از خورشید و حرارت از نور است.^۱ در «البداع الهی» مطرح در آموزه‌های روایی، ایجاد موجودات بر پایه «لا مِنْ شَيْءٍ» است: «...والله لا من شيء صنع ما خلق» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴/ ۲۷۰) به طوری که؛ در خطبه‌های معصومان (ع)، تفاوت خداوند با سازندگان دیگر به «صُنْعٌ لَا مِنْ شَيْءٍ» متمایز شده است. لذا «صُنْعٌ لَا مِنْ شَيْءٍ» تنها به «باری تعالی» اختصاص دارد.

۲-۳. تحقق اراده خداوند در ابداع بر خلاف صدور

در ابداع الهی، موجودات بر اساس فاعلیت امری (كُنْ فَيَكُونُ) ایجاد و انشاء می‌شود. چنانکه در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس/۸۲). در چنین فاعلیتی و بر خلاف نظریه صدور، خداوند، دارای اراده مطلق در ایجاد و اعدام موجودات است. هر زمان بخواهد ایجاد و یا نیست و نابود می‌کند. به طوری که در قرآن آمده است: «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَلِيدٍ» (ابراهیم/۱۹) که نشان از عدم نیاز خداوند به بود و نبود انسان‌ها (قرشی، ۱۳۹۱: ۵/ ۲۹۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۴/ ۴۰۴) و اراده مطلق

محکم، «ومتى وجد للال الوجود الذى له، لزم ضرورة أن يوجد عنه سائر الموجودات» (غالب، ۱۹۹۵م: ۶۲).

۱ فالوجود يصدر عنه، كما يصدر النور عن الشمس، والحرارة عن النور، بموجب ترتيب معين و ترابط وثيق

الهی در آفرینش دارد (مدرسی، ۱۴۲۶ق: ۳۶۲). در نظریه صدور بر خلاف ابداع الهی مورد تأکید خطبه‌های معصومان (ع)، فیض الهی و آفرینش موجودات به نحو حتمیت انجام می‌پذیرد چنانکه ابن سینا معتقد است: «الفیض إنما يستعمل فی الباری و العقول لا غیر، لأنه لما كان صدور الموجودات عنه علی سبیل اللزوم لا لإرادة تابعة لغرض^۱ بل لذاته و كان صدورها عنه دائما بلا منع و لا كلفة تلحقه فی ذلك كان الاولى به أن یسمی فیضاً» (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۰۰-۸۱) بدین معنا که فیض تنها در پروردگار و عقول استعمال می‌شود چه‌اینکه صدور موجودات از او به نحو لزوم و بلکه صرفاً به خاطر ذاتش و نه اراده‌ای تابع غرض صورت می‌گیرد و صدور این موجودات از او همیشگی، بدون مانع و سختی انجام می‌پذیرد، [بنابراین] اولاتر آن است که فیض نامیده شود. ابن سینا صدور و خلقت موجودات را از خداوند تابع اراده نمی‌داند

و معتقد است که مخلوقات، فعل خداوند و مقتضای ذات اویند و چون خداوند به ذات خود علم دارد و به آن عشق می‌ورزد، مخلوقات را نیز که لازمه ذات‌لند، به خاطر ذاتش، خلق می‌کند و چون ذاتش ازلی است، غرضش و خلقتش نیز ازلی است و از ازل تا ابد، تمام آنچه را خواسته، انجام داده و خلق کرده است؛ (زیرا تمام غرضش ذاتش است، با اوست و ازلی و ابدی است) و آنچه خواسته، از ازل تحقق نیافته و تا ابد هم تحقق نخواهد یافت (میرجعفری میلندهی، ۱۳۹۵: ۴۵). در نگاه ابن سینا اراده همان علم خداوند و الفاظی چون «اگر، نخواهد، نخواست» مجاز و "هر چه وی از ازل خواهان بود، ببود و هر چه از ازل خواهان نبود، از آنچه وی آید نبود" (ر.ک: ابن سینا، ۱۳۸۳: ۹۸). اما در هستی‌آفرینی مستخرج از خطبه‌های معصومان (ع)، خدا بر اساس اراده، دست به «ابداع»، «انشاء» و یا «اعدام» می‌زند چنانکه حضرت علی (ع) در خطبه‌ای

۱ به نظر می‌رسد «لغرض» در عبارت ابن سینا با محتوا و مفهوم عبارت تناسب بیشتری داشته باشد چنان‌که علامه حسن زاده آملی در کتاب «خیر الأثر در رد جبر و قدر» عبارت ابن سینا را با واژه «لغرض» آورده است (ر.ک: حسن زاده، ۱۳۹۴: ۱۹۳). همچنین ایشان در کتاب «نصوص الحکم بر فصوص الحکم» در تبیین «فیض» می‌نویسد: «و بدانکه فیض در اصطلاح حکماء، فعلی است که از فاعل آن بدون عوض و غرض

صادر شود که افعال حق تعالی همه این چنین است تفصیل آن در اول نمط سادس اشارات و در تعلیقات شیخ که گوید: الفیض انما یستعمل فی الباری تعالی و فی العقول لا غیر...» (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵: ۵۴). در برخی آثار اندیشمندان نیز واژه «لغرض» آمده است (ر.ک: فیض و فاعلیت وجودی از فلوطین تا صدرالمتألهین، دکتر سعید رحیمیان، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

می‌فرماید: «لَمْ يَتَكَادَهُ صُنْعُ شَيْءٍ كَانَ إِنَّمَا قَالَ لِمَا شَاءَ كُنْ فَكَانَ ابْتَدَعَ مَا خَلَقَ بِلاَ مِثَالٍ سَبَقَ وَلاَ تَعَبٍ وَلاَ نَصَبٍ وَكُلُّ صَانِعٍ شَيْءٍ فَمِنْ شَيْءٍ صَنَعَ وَاللَّهُ لَا مِنْ شَيْءٍ صَنَعَ مَا خَلَقَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۷۰/۴) مطابق فرمایش حضرت، آفرینش خداوند بگونه‌ای است که بدون پیشینه و الگو و عاری از خستگی و نیرو و تنها با «کن فیکون» موجودات را ایجاد می‌کند، که در آن اراده خداوند و بر اساس فاعلیت امری (کن فیکون) موجودات را ابداع می‌کند و چنین خدایی دارای اراده و قدرت مطلق است. از طرفی در آموزه‌های مستخرج از خطبه‌های معصومان (ع)، اراده الهی از صفات فعل الهی است و در چنین شرایطی «ان شاء» و «وان لم یشاء» معنای خود را از دست نمی‌دهند. موید این مطلب روایتی منقول از امام کاظم (ع) است که ایشان در خصوص اراده خداوند فرمود: «فَإِرَادَةُ اللَّهِ الْفِعْلُ لَا غَيْرَ ذَلِكَ، يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ بِلاَ لَفْظٍ وَلاَ نُطْقٍ بِلسَانٍ وَلاَ هِمَّةٍ وَلاَ تَفَكُّرٍ وَلاَ كَيْفٍ لِذَلِكَ كَمَا أَنَّهُ لَا كَيْفَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۱۱۰-۱۰۹). اراده خداوند همان فعل او و نه چیز دیگر است. آن حضرت در تبیین اراده الهی از عبارت «كُنْ فَيَكُونُ» استفاده کرده و این

فاعلیت (امری) بدون لفظ و نطقی به زبان و همچنین بدون همت، اندیشه و حالت و رخدادی در خصوص خداوند است.

طرح اشکال و پاسخ به آن

ممکن است اشکال شود که در متون فلسفی ویژه نظریه صدور، به صراحت از اراده حق تعالی سخن به میان آمده است. برای نمونه در بیان فارابی می‌خوانیم: «... صدور فیض بارادته و قدرته، و هذه الإرادة هي بعينها عنایتة و رضا» (فارابی، بی‌تا: ۶۲). بنابراین چگونه ادعای منتفی بودن «اراده خداوند» در نظریه صدور مطرح شده است؟ در پاسخ باید روش شود؛ که مراد از «اراده» و «قدرت» خداوند در نزد فیلسوف چیست؟ در آموزه فیض (صدور) «اراده خداوند»، به معنای علم، رضا و عنایت الهی (عنایتة و رضاه^۱) به صدور اشیا از ذات او است، بر همین اساس در نظر فیلسوفان، اراده خداوند از صفات ذات، ازلی و عین ذات او است. از این جهت، ابن سینا، فیض (صدور) را بر اساس «لزوم و حتمیت» از ذات خداوند دانسته است (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۰۰-۸۱). سؤالی که در اینجا مطرح است این‌که؛ آیا خداوند دارای اراده (بر اساس نظر فیلسوف و نظریه صدور)، توانایی

۱. ر.ک: فارابی، الأعمال الفلسفیه، بی‌تا: ۶۲

جلوگیری (توقف) از فیض (ایجاد و تراوش موجودات) را دارد؟ پاسخ منفی است. چنان‌که ابن سینا واژه‌هایی نظیر «اگر»، «نخواهد» و «نخواست» را واژه‌هایی مجاز برای خداوند می‌داند. وی معتقد است اگر چنین نباشد (یعنی اگر این واژه‌ها حقیقی باشند) این امر مستلزم «تحقق اراده نو در ذات خداوند» است که این مسئله، موجب تغییر در ذاتش می‌شود (ر.ک: ابن-سینا، ۱۳۸۳: ۹۸). ولی بر اساس آموزه‌های معصومان (ع)، اراده خداوند "حادث" و از «صفات فعل» و به معنای «ایجاد» و «تکوین الهی» است. برای نمونه، امام رضا (ع) در پاسخ به سؤالات هستی - خداشناسی عمران صابی فرمود: «...واعلم ان الابداع والمشیئه والاراده معناها واحد» (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۱۵۴/۲). لذا در متون فلسفی، شاهد واژگانی نظیر: «اراده» و «قدرت» خداوند هستیم اما در بسیاری موارد، مراد آن با آموزه‌های قرآن و عترت در تقابل است.

۳-۳. تبیین خالق و مخلوق در ابداع و سنجیت

در صدور

بر اساس آموزه‌های قرآن و احادیث معصومان (ع)، در ابداع الهی (البديء والبدیع)، دو رکن اساسی نهفته است:

۱. «لَا مِنْ شَيْءٍ»

۲. «عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ» (محمدی

ریشه‌ری، ۱۳۸۴: ج ۵، ص ۳۳۸).

مخلوقات بدون هیچ الگو، مثال و همچنین بدون ماده اولیه (چیز دیگر) توسط خداوند ایجاد می‌شوند، چنانکه در روایات می‌خوانیم:

«صَوَّرَ مَا أْبَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا احْتِیَالٍ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۵۸).

نکته قابل توجه آن است که خداوند هم از «مِنْ شَيْءٍ» و هم از «لَا مِنْ شَيْءٍ» به آفرینش می‌پردازد. این دو فاعلیت (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ) در کنار یکدیگر عمل می‌کنند. این دو فعل الهی (خلق و امر) همان مفهومی است که در قرآن تحت عنوان «دو دست خدا» یاد شده است (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۰؛ ملکشاهی صفت و همکاران، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۱۲۳).

همان‌گونه که در خصوص نحوه خلقت حضرت عیسی (ع) قرآن می‌فرماید: «إِنَّ مِثْلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمِثْلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۵۹).

در این آیه به دو جنبه خلقی (مِنْ شَيْءٍ) و امری (لَا مِنْ شَيْءٍ) اشاره شده است. اما برخلاف لبداع الهی، در نظریه «فیض» مورد تأکید فلسفه، صدور موجودات «مِنْ شَيْءٍ» (از ذات الهی) و ایجاد «عَلَى مِثَالٍ» یا همان سنجیت بین

صادر و مصدر (مبدأ) مطرح است.

سنخیت در آموزه‌های فلسفه به معنای اشتراک در حقیقت و به عبارتی دیگر، سنخیت علت وجودبخش با معلول است؛ به طوری که علت وجودبخش باید کامل‌تر از معلول خود باشد. به تعبیر دقیق‌تر، علت وجودبخش باید عین آن کمال وجودی‌ای را که به معلول خود می‌دهد، خود در مرتبه‌ای بالاتر داشته باشد (عبودیت و مصباح، ۱۳۸۹: ۸۰). اساس قاعده «الْوَاحِدُ لَا يَصْدُرُّ عَنْهُ إِلَّا وَاحِدٌ» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸) چیزی جز لزوم سنخیت میان علت و معلول نیست. یعنی فیلسوفان به جهت لزوم تناسب و سنخیت میان علت و معلول، قائل به این قاعده شده‌اند (یثربی، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

علامه طباطبایی می‌نویسد:

«إِنَّ الْمُبْدَأَ الَّذِي يَصْدُرُّ عَنْهُ وُجُودُ الْمَعْلُولِ هُوَ وُجُودُ الْعِلَّةِ الَّذِي هُوَ نَفْسُ ذَاتِ الْعِلَّةِ؛ فَالْعِلَّةُ هِيَ نَفْسُ الْوُجُودِ الَّذِي يَصْدُرُّ عَنْهُ وُجُودُ الْمَعْلُولِ... وَ مِنَ الْوَاجِبِ أَنْ يَكُونَ بَيْنَ الْمَعْلُولِ وَعِلَّتِهِ سِنْخِيَّةٌ ذَاتِيَّةٌ» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۷۸).

علامه اذعان می‌دارد که مبدأ که معلول از آن صادر می‌شود، «وجود علت» است که خود، «ذات علت» می‌باشد. ذات علت، علت و فاعل است و علت، «نفس وجود» است که وجود معلول از آن صادر

می‌شود. در نهایت، علت، وجود است و معلولش هم وجود. علامه در پایان، وجوب سنخیت بین معلول و علت‌اش را مطرح می‌کند.

در کلام علامه، واژه «مبدأ» به عنوان «مصدر» و «محل صدور» معلولات قابل توجه است. این تعبیر درست، در مقابل تعبیری است که در متون روایی آمده است. در کلام معصومان(ع)، خداوند به عنوان «مُبْدِئ» و آغازدهنده هستی موجودات یاد شده است. در تعریف «مبدأ» آمده است:

«مبدأ» اسم ظرف است که از ماده «بَدَأَ» اشتقاق یافته و «مبادی» جمع آن است. همچنین معنای علیت (چه مادی، چه صوری و چه غایی) می‌دهد. «مبدأ» هر چیز، آغاز و ماده آن است، نظیر هسته خرما که مبدأ درخت نخل است (صلیبا، ۱۴۰۷ق: ۵۶۸). مبدأ همان منشأ ایجاد و ترکیب است. از این جهت (در نظریه صدور)، سنخیت بین خداوند و مخلوقات (معلولات) بر اساس اصل «مبدأ بودن خداوند» ضرورت می‌یابد؛ برخلاف ابداع الهی مورد تأکید در خطبه‌های معصومان(ع) که چنین لازمه‌ای را در پی نخواهد داشت و موجودات بر اساس اراده الهی و فاعلیت امری (كُنْ فَيَكُونُ) ایجاد می‌شوند.

۳-۴. ضرورت «واسطه» در ایجاد کثرات در «صدور» برخلاف «ابداع»

بر اساس «صدور» و «فیض» الهی مطرح در آموزه‌های فلسفه، خداوند عقل اول را ایجاد می‌کند و به واسطه عقل اول، دیگر موجودات مرکب را به وجود می‌آورد تا قاعده معروف «الْوَحْدُ لَا يَصْدُرُ عَنْهُ إِلَّا وَاحِدٌ» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸) دچار خدشه نشود. زیرا بر اساس این قاعده، خداوند به عنوان موجود «بسیط»، تنها می‌تواند موجودی واحد و بسیط (و هم‌سنگ خود) ایجاد نماید و مستقیماً امکان ایجاد موجودات مرکب را ندارد. چنانکه علامه طباطبایی می‌نویسد:

«إِنَّ الصَّادِرَ الْأَوَّلَ الَّذِي يَصْدُرُ مِنَ الْوَاحِدِ تَعَالَى، عَقْلٌ وَاحِدٌ، هُوَ أَشْرَفُ مُوجُودٍ مُمَكِّنٍ» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۴، ص ۱۱۷).

به تعبیر برخی، نظریه «فیض» در رأی صاحب «اثولوجیا»، نوعی واسطه‌های بین «احد» و «عالم طبیعت»، یعنی عقل و نفس را بیان می‌کند (رحیمیان، ۱۳۸۱: ۹۲).

در مقابل و بر اساس «ابداع الهی»، چنین لازمه‌ای مبنی بر وجود وسائط مطرح نمی‌شود. خداوند بر اساس «صُنْعٌ لَا مِنْ شَيْءٍ»، موجودات را - گذشته از فقر ذاتی‌شان که از هر جهت مسبوق به

نیستی‌اند - ایجاد و لبداع می‌کند و چنین آفرینشی وابسته به اراده مطلق خداوند است (برنجکار، ۱۳۷۴: ۱۳۷).

این مسئله هستی‌شناسی و خداشناسی (و به تعبیر دیگر، هستی‌آفرینی) به اندازه‌ای حائز اهمیت است که حضرت علی (ع) در میدان جنگ و در برابر معاویه، در قالب خطبه‌ای فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الْمُتَفَرِّدِ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ وَلَا مِنْ شَيْءٍ خُلِقَ مَا كَانَ، قُدْرَةً بَانَ بِهَا مِنَ الْأَشْيَاءِ وَبَانَتْ الْأَشْيَاءُ مِنْهُ، فَلَيْسَتْ لَهُ صِفَةٌ تَنَالُ وَلَا حَدٌّ يُضْرَبُ فِيهِ الْأَمْثَالُ» (ثقفی کوفی، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ص ۷۳۲-۷۳۳).

در این خطبه، حضرت ضمن آغاز با حمد الهی، به یگانگی و صمدیت الهی اشاره می‌نماید. ایشان ضمن بیان اینکه خداوند نه از چیزی ایجاد شده و نه چیز دیگری را از ماده‌ای آفریده است، بینونت خالق متعال و ماسوی‌الله را مورد تأکید قرار می‌دهند.

همچنین پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیریه به پدید آوردن و نگارگری اشیاء توسط خداوند بدون هیچ نمونه‌ای و بدون یاری از کسی و بدون هیچ زحمت و چاره‌اندیشی اشاره فرمود (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۵۸). در این خطبه، از ایجاد و صورت‌گری لبداعی بدون الگو و

آفرینش مخلوقات بدون کمک، تکلف و چاره‌جویی توسط خدای مبدع تأکید شده است.

لذا این تعبیر و گزاره‌های هستی‌آفرینی، تنها واژگان تیمنی و صرفاً دارای چیدمان زیبای ادبی نیستند، بلکه لوازم هستی‌آفرینی قابل توجهی دارند که تطبیق آن‌ها با دیگر آموزه‌های به اصطلاح اسلامی و غیراسلامی، در ارائه و استخراج معارف هستی‌آفرینی توحیدی نقش راهبردی دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج نقد لوازم هستی‌آفرینی نظریه «صدور» و خطبه‌های معصومان(ع) عبارت است از:

۱. تعبیر هستی‌آفرینی در خطبه‌های معصومان(ع)؛ «ابداع» و «انشاء» و در نظریه صدور؛ «صدور» و «فیض» از فراوانی و بسامد مفهومی بالایی برخوردار است.

۲. بر اساس نظریه «صدور»، موجودات بر پایه «مِنْ شَيْءٍ» و از ذات الهی صادر می‌شوند؛ در مقابل، بر اساس «البداع الهی» مورد تأکید در خطبه‌های معصومان(ع)، موجودات بر پایه «لَا مِنْ شَيْءٍ» یا همان فاعلیت امری خداوند (كُنْ فَيَكُونُ) خلق می‌شوند. بنابراین، ایجاد موجودات بر پایه «صدور» نیازمند «مِنْ شَيْءٍ» یا «ماده اولیه» است، در حالی که در ابداع الهی مطرح در خطبه‌های معصومان(ع) چنین لازمه‌ای مطرح

نیست.

۳. در نظریه «صدور (فیض)»، فیضان موجودات به صورت حتمی و بدون اراده انجام می‌پذیرد؛ زیرا آفرینش موجودات به جهت صدور از ذات حق و بر اساس علم الهی (که عین ذات خداوند است) و نه اراده دائمی و ازلی است. برخلاف نظریه صدور، در «ابداع الهی»، موجودات بر پایه اراده و قدرت خداوند پا به عرصه وجود می‌گذارند. همچنین بر اساس تأکید متون روایی، اراده، صفتی فعلی برای خداوند است و برخلاف صدور، اراده خداوند به گونه‌ای است که هر زمان بخواهد موجودات را «ایجاد» یا «اعدام» می‌کند.

۴. در «البداع»، موجودات بدون سابقه، مثال و ماده اولیه ایجاد و انشاء می‌شوند و لازمه چنین آفرینشی، عدم سنخیت خالق و مخلوق است. در «نظریه صدور» و بر اساس معنای مفهومی آن (خروج چیزی از چیزی)، سنخیت بین صادر و مصدر (مبدأ) ضرورت دارد.

۵. از لوازم دیگر نظریه «صدور»، ضرورت واسطه در ایجاد کثرات است. در این نظریه، خداوند به عنوان موجود «بسیط» نمی‌تواند موجودات «غیر بسیط» را بدون واسطه ایجاد کند. در مقابل، در «البداع الهی»، خداوند بر اساس «فاعلیت لَا مِنْ شَيْءٍ»، موجوداتی که از هر جهت مسبوق به نیستی هستند، بر اساس اراده و قدرت مطلق ایجاد و انشاء می‌کند.

۶. آنچه به عنوان دست‌آورد نهایی و کاربست این پژوهش به دست می‌آید، این است که در شناخت معارف دینی، به‌ویژه معارف هستی‌آفرینی، بلید به لایات، رولیات و واژگان پریسامد مستخرج از آن‌ها و همچنین لوازم چنین معارفی توجه کرد و از خلط معارف فلسفی در آن پرهیز نمود؛ چرا که در مواردی، دستاوردهای فلسفه با دستاوردهای متون دینی - چه در گزاره‌ها و چه در لوازم - مغایرت دارد.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان‌نامه / رساله: این مقاله برگرفته از رساله / پایان‌نامه نمی‌باشد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین. -
- (۱۴۰۴ق). عیون اخبار الرضا(ع)، تصحیح: علامه شیخ حسین اعلمی. بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۷م). -
- جمهرة اللغة، محقق: رمزی منیر بعلبکی. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (بی تا). -
- المحکم والمحیط الأعظم، محقق: عبدالحمید هنداوی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۳ش). -
- الهیات دانشنامه علائی، مقدمه، حواشی و تصحیح: محمد معین. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). -
- التعلیقات. بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن طاووس، رضی الدین علی. (۱۴۱۳ق). -
- التحصین لأسرار ما زاد من أخبار کتاب الیقین. قم: مؤسسه الثقلمین للاحیاء التراث الاسلامی.
- ابن طیفور، أحمد بن أبی طاهر. (بی تا). -
- بلاغات النساء. قم: مکتبه بصیرتی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). -
- لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن فارس، أبوحسین. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن فارس، أحمد بن فارس بن زکریا. -
- (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دار الفكر.
- ابن کثیر، عمادالدین. (۱۴۰۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار المعرفه.
- لبوالسعود عمادی، محمد بن محمد. -
- (بی تا). تفسیر ابی السعود. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ازهری، أبو منصور محمد بن أحمد. (بی تا). -
- تهذیب اللغة. بی جا: بی نا.
- افلوطین. (۱۳۷۸ش). اثولوجیا (ترجمه عربی ابن ناعمه حمصی از تاسوعات فلوطین)، ترجمه فارسی: حسن ملکشاھی. تهران: انتشارات سروش.
- آلوسی، شهاب الدین. (۱۴۱۷ق). روح المعانی، تصحیح: حسین عرب. بیروت: دارالفکر.
- آزادگان، علیرضا؛ عظیمی، مهدی. -
- (۱۳۹۹ش). «بررسی آراء صدرالمألهین

- پیرامون نحوه پیدایش کثرات از واحد متعال با تکیه بر نقد قاعده الواحد»، حکمت صدرایی، دوره ۸ (۲)، صص ۱۱-۳۵.
- با ردن، لورنس. (۱۳۷۵ش). تحلیل محتوا، ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی‌دوزی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- باقری، خسرو؛ باقری، محمدزهریر. (۱۳۹۰ش). «نگاهی انتقادی به رویکرد فیض‌محور در فلسفه اسلامی و پیامدهای آن در تعلیم و تربیت»، مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۱۱ (۱)، صص ۵-۲۴.
- بدوی، عبدالرحمن. (۱۹۵۵م). أفلوطين عند العرب. قاهره: مطبعة لجنة التأليف والترجمة والنشر.
- برنجکار، رضا. (۱۳۷۴ش). «خدا و جهان در اندیشه ارسطو»، اندیشه کیهان، شماره ۵۹، صص ۱۳۶-۱۵۳.
- برنجکار، رضا؛ نصرتیان‌اهور، مهدی. (۱۳۹۶ش). قواعد کلامی (توحید). قم: انتشارات دارالحديث.
- بریه، امیل. (۱۳۷۴ش). تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: علی‌مراد داودی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیضاوی، ناصرالدین. (بی‌تا). أنوار التنزیل وأسرار التأویل. بیروت: مؤسسه اعلمی.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۹۵ق). الغارات، تحقیق: جلال‌الدین. تهران: انجمن آثار ملی.
- جلال‌الدین سعید. (۱۹۹۴م). معجم المصطلحات والشواهد الفلسفیه. تونس: دار الجنوب للنشر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم.
- جهامی، جیرار. (بی‌تا). موسوعة مصطلحات الفلسفة. لبنان: مكتبة لبنان ناشرون.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۶۵ش). نصوص الحكم بر فصوص الحكم. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۹۴ش). خیر الأثر فی رد جبر و قدر. قم: بوستان کتاب.
- خادمی، عین‌الله. (۱۳۸۴ش). «نظریه ملاصدرا درباره چگونگی پیدایش کثیر از واحد (نظام فیض)»، هستی و شناخت، دوره ۸ (۱)، صص ۷۵-۹۴.
- خاصیان سرابی، وحید؛ رئیس‌یان، غلامرضا؛ معتمدی، منصور؛ اسدی اصل، علی. (۱۳۹۹ش). «رابطة «عبد و ربّ» به مثابه یک راهکار تربیت اخلاقی»، آموزه‌های قرآنی، دوره ۱۷ (۳۱)، صص ۱۵۳-۱۷۸.

- خلجی، محمدتقی. (۱۳۸۳ش). اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه). قم: انتشارات پرتو خورشید.
- راغب اصفهانی. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. دمشق و بیروت: دارالقلم و الدار الشامیه.
- رحیمیان، سعید. (۱۳۸۱ش). فیض و فاعلیت وجودی از فلوطین تا صدرالمآلهین. قم: بوستان کتاب.
- رضوی، مرتضی. (۱۳۸۷ش). دو دست خدا. ویسایت بینش نو؛ پایگاه نشر آثار آیت الله مرتضی رضوی.
- زبیدی، محمد بن عبدالرزاق. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر. (بی تا). أساس البلاغة، تحقیق: عبدالرحیم محمود. بی جا: بی نا.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۵ق). الکشاف. قم: نشر البلاغة.
- سبزواری، ملاهادی. (۱۳۸۳ش). اسرار الحكم. قم: مطبوعات دینی.
- شاهچراغ، سید مسیح. (۱۳۹۲ش). بررسی و نقد نظریه فیض فارابی از منظر آیات و روایات. پایان نامه کارشناسی ارشد (گرایش کلام و عقاید)، دانشگاه قرآن و حدیث، محمدتقی.
- شکر، عبدالعلی؛ عبیدای، هادی؛ فرشادنیای، یوسف. (۱۴۰۰ش). «انگاره انتساب «فرزند» و «ولادت» به خدا، و نقد لوازم آن بر اساس آیات قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۱۲ (۴۷)، صص ۲۵۵-۲۸۶.
- صالح، صبحی. (۱۳۷۴ش). نهج البلاغه. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۴ق). عیون اخبار الرضا (ع). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- صلیبا، جمیل. (۱۴۰۷ق). فرهنگ فلسفی، ترجمه: منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: حکمت.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۹ش). نهایه الحکمه، ترجمه و شرح: علی شیروانی. قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۶ش). نهایه الحکمه. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طبرسی، أحمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج، محقق:

- محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین(ع).
- عبودیت، عبدالرسول؛ مصباح، مجتبی. (۱۳۸۹ش). خداشناسی فلسفی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- عسگری، انسیه؛ فرشادینا، یوسف. (۱۴۰۱ش). «تأثیر دعا در استخراج گزاره‌های معرفتی (بررسی موردی: هستی‌شناسی و خداشناسی)»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۲۶(۹۰)، صص ۱۳۳-۱۵۰.
- غالب، مصطفی. (۱۹۹۵م). الفارابی. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- فارابی، ابونصر. (بی‌تا). الأعمال الفلسفیه. بیروت: دار المناهل.
- فتاحی‌زاده، فتحیه؛ افسر دیر، حسین. (۱۳۹۵ش). «کارکرد تفسیری اقتباس‌های قرآنی خطبه‌های حضرت زهرا(س)»، سراج منیر، دوره ۷(۲۴)، صص ۱۵۹-۱۷۸.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۱۴ق). العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، تصحیح: اسعد طیب. قم: انتشارات اسوه.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین(ع).
- فیومی، أحمد بن محمد. (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر. قم: دار الهجرة.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۹۱ش). تفسیر احسن الحدیث. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ش). تحفة الأولیاء، ترجمه: محمدعلی اردکانی، محققین: محمد وفادار مرادی و عبدالهادی مسعودی. قم: دار الحدیث.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد. (۱۴۱۲ق). النکت والعیون. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- محمدی ریشه‌ری، محمد. (۱۳۸۴ش). دانشنامه عقاید اسلامی. قم: دارالحديث.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۴۲۶ق). العرفان الإسلامی. قم: دانشوران معاصر.
- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۳۸۴ش). اثبات الوصية. قم: انصاریان.
- مظفر نجفی، محمدحسن. (۱۴۲۲ق). دلائل الصدق لنهج الحق. قم: دار الحديث.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ملک‌شاهی صفت، مصطفی و همکاران. (۱۳۹۷ش). کنکاشی در چیستی و چرایی بسته بودن دست خدا در اندیشه یهود. اهواز: پژوهندگان راه دانش.
- یثربی، یحیی. (۱۳۸۴ش). «نقدی بر قاعده الواحد و اصل سنخیت»، نقد و نظر، سال ۱۰(۳۸)، صص ۲۵۱-۲۶۳.